

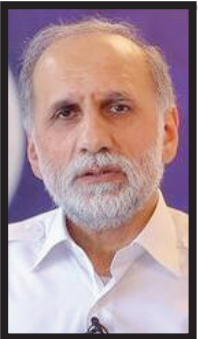
اجازه را به ما می‌دهد.» او با اشاره به افزایش تعداد پزشکان زن در سال‌های اخیر ادامه می‌دهد: «در گذشته بیشتر پزشکان ما مرد بودند و حتی متخصصان زنان هم مرد بودند اما به‌تدریج تحصیلات در زنان توسعه پیدا کرد، به دانشگاه رفتند و امروزه بسیاری از پزشکان، زن هستند. قانون و شرع برای نجات جان بیمار، این اجازه را می‌دهد که نیروهای امدادی در هر جنسیتی، به فرد بیمار امدادرسانی کنند. اما مشکلاتی وجود دارد و نمی‌توان آنها را رد کرد.»

▼بی‌توجهی به اصول در استخرها

روز خاکسپاری مرجان، همسرش مطلع می‌شود که استخر «موج‌های آبی سیم‌رغ» همچنان به‌فعالیت‌اش ادامه می‌دهد و پلمپ نشده است. فردای آن‌روز او به دادگاه مراجعه و اعتراض‌اش را به قاضی پرونده اعلام می‌کند: «من به قاضی گفتم، استخر باید بسته شود که مدیر آن نتواند شواهد را امحا کند. این احتمال وجود دارد که آب استخر مسئله‌ای داشته یا موارد دیگری که نیازمند بررسی است. به‌هر حال شرایط استخر باید به همان شکل که همسر در آن فوت شده، باقی می‌ماند تا بررسی‌های لازم انجام شود.» قاضی در پاسخ به او گفته، یک‌هفته است که مادرش را اذ دست‌داده و حال مساعدی ندارد: «قاضی گفت، یک‌هفته است مادرش را اذ دست‌داده و دست‌اش به هیچ کاری نمی‌رود. به او گفته، مادر فرزند پنج‌ساله من به‌دلیل سهل‌انگاری و نبودن نجات‌غریق جان‌ش را اذ دست‌داده و دچار خفگی شده، آنها چطور می‌توانند هراویک کار دیگر بکنند و به پرونده همسر من رسیدگی نکنند.» همسر مرجان می‌گوید مرجع قضایی با این استدلال که چون مادر قاضی فوت کرده و پرونده‌ها روی هم مانده و فرصت رسیدگی ندارند، شکایت‌اش را ثبت نکردند و گفتند که اول دی‌ماه کار ثبت شکایت او را انجام می‌دهند: «دستگاه قضایی باید شواهد را جمع می‌کرد و پس از اعتراض من، دستور سه‌روز پلمپ را دادند که شواهد، بررسی و مدارک لازم از صحنه جمع‌آوری شوند. اما پس از سه‌روز، استخر رفع پلمپ شد. این استخر با همان نواقص، همچنان در حال فعالیت است. استخر استانداردهای لازم را ندارد و درحقیقت یک خانه ویلایی بوده که استخری در آن بوده و حالا همان مکان تبدیل به استخر عمومی شده است.» زمانی که مرجان را از آب بیرون کشیدند، ریه‌هایش پر از آب شده بود: «به‌قدری که قفسه سینه همسر را برای خارج‌شدن آب فشار داده بودند که از دماغ‌اش خون بیرون زده بود، اما آب را نتوانستند از ریه او خارج کنند. ما نمی‌دانیم نمونه آب آن روز را به مراجع قضایی تحویل دادند یا نه.» همسر مرجان می‌گوید، حالا زندگی برای او و دخترش تغییر کرده و نمی‌داند چه اتفاقی قرار است برای آنها بیافتد. به گفته او، مسئولان استخر با آنها تماسی نگرفتند و یک‌نفر را برای سازش فرستادند: «آنها ایمنی را رعایت نکردند و ما مدعی شبه‌قتل هستیم. مسئولیت نبودن نجات‌غریق برعهده استخر است و این استخر همچنان در حال فعالیت است.» او می‌گوید، از همان روزهای اول در کانال‌های مختلف شهر کباباک و پیچ اینستاگرامی استخر، زیرپست‌ها می‌نوشتند مرجان اضافوزن داشته، دارو مصرف می‌کرده و به‌همین دلیل این اتفاق افتاده است: «پزشکی قانونی برای دومین‌بار هم به مرجع قضایی اعلام کرده که علت فوت، خفگی بوده و آثاری از سسکنه یا خوردن قرص مشاهده نشده؛ پس عامل اصلی سوءمدیریت بوده است.»

رعایت‌نکردن اصول غریق‌نجات در استخرهای زنانه، از مشکلاتی است که حالا به‌نظر می‌آید در حال گرفتن قربانیان بیشتری است. ندا باقری، رئیس هیئت‌نجات‌غریق و غواصی استان مازندران به «هم‌میهن» می‌گوید، آنها پیش‌تر به مسئولان استخر «موج‌های آبی سیم‌رغ» درباره کمبود ناجی مستقر در استخر و آماده‌نبودن تنها ناجی‌ای که استخدام کرده بودند، تذکر دادند؛ اما توجهی به این تذکر نشده است.

براساس آیین‌نامه فدراسیون نجات‌غریق کشور، استخرهایی با طول ۲۵متر و عرض ۱۲ و نیم متر، باید حداقل دو و حداکثر سه نجات‌غریق در استخر مستقر کنند: «بیشتر استخرهای استان، طول ۲۵ متر و عرض ۱۲ و نیم متر دارند که باید سه ناجی غریق در آنها حضور داشته باشند. میزان شلوغی استخر هم مورد دیگری است که باید برای استقرار ناجی غریق موردتوجه باشد. در استخرهای پرجمعیت و شلوغ، سه ناجی و اگر خلوت‌تر باشد، دو ناجی غریق نیاز است.» استاندارد دیگری که باید از سوی مسئولان استخر برای استقرار ناجی موردتوجه قرار گیرد، دارا بودن گواهی سلامت از سوی آنهاست: «بسیاری از ناجی‌های غریق، گواهی سلامت ندارند. بسیاری از استخرها در حوزه استقرار ناجی غریق، استانداردها را رعایت نمی‌کنند. هر فرد نجات‌غریق که در استخر مستقر است، علاوه بر اینکه باید گواهینامه نجات‌غریق داشته باشد، باید برگه آمادگی سالیانه را هم دریافت کند.» ناجی‌ها برای دریافت گواهی سلامت باید در آزمون شرکت کنند که سلامت جسمانی آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد: «برخی ناجی‌های غریق ممکن است پنج‌سال پیش گواهینامه نجات‌غریق دریافت کرده باشند و در این‌مدت آمادگی جسمانی‌شان را از دست داده باشد. آنها برگه آمادگی و گواهی سلامت نمی‌گیرند، ارزیابی نمی‌شوند ومدیر استخر با پارتی‌بازی آنها را در استخر مستقر می‌کند، اما آمادگی لازم برای نجات را ندارند.» ناجی استخر



جعفر معادفر رئیس اورژانس کشور:

درحال‌حاضر ساعت کاری پایگاه‌های اورژانس زنان، از هشت صبح تا هشت شب است و در حال بررسی این موضوع هستیم که می‌توانیم ساعت کاری این پایگاه‌ها را ۲۴ ساعته کنیم یا نه. تلاش ما این است تا در شهرهای بزرگ که تعداد ماموریت‌ها بیشتر است، تعداد پایگاه‌های زنان را به حدی برسانیم که مشکلات ناشی از نبود نیروی زن در اورژانس، مرتفع شود و ازسوی دیگر، برای پایگاه‌های مردان هم کمکمی باشند و بتوانند بخشی از ماموریت‌ها را انجام دهند

«موج‌های آبی سیم‌رغ» هم که نتوانسته جان مرجان را نجات دهد، شرایط مشابهی داشته است: «گاهی مدیران استخرها تنها یک ناجی در استخر مستقر می‌کنند و آن ناجی ممکن است بخواهد غذایی بخورد یا به سرویس بهداشتی برود و زمانی که اتفاقی رخ می‌دهد، در محوطه آب نیست و تمام اینها دلالی است که اتفاقاتی مانند خفگی را رقم می‌زند.» هیئت‌نجات‌غریق استان در طول سال، بازرسی استخرها را انجام می‌دهند اما از نظر قانونی فقط می‌توانند تذکر دهند و ابزاری برای اجرای قانون ندارند: «استخر «موج‌های آبی سیم‌رغ» هم جزء مواردی بود که تاکنون تذکر دریافت کرده و از او خواسته بودیم تا موارد کمبود را رفع کند.»

هیئت‌نجات‌غریق استان و رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان کبابکلا، پس از این اتفاق تشکیل جلسه دادند: «در جلسه ما مشخص شد که ناجی، آمادگی کافی نداشته و چندین‌بار از سوی شهرستان مورد تذکر واقع شده بود، اما تمکین نکردند و این اتفاق افتاده است. روال فعالیت این استخر مورد تایید ما نیست، اما ابزار اجرایی برای اصلاح موارد نقض قانون را نداریم و به‌همین دلیل هم با جان مردم بازی می‌شود.» به گفته باقری، آنها تذکرات لازم را داده بودند، اداره ورزش شهرستان هم چندین‌بار به استخر نامه زده و پیگیری‌ها را انجام داده، اما متأسفانه جلوی فعالیت آنها گرفته نشد: «استخر از نظر قانونی باید پلمپ می‌شد تا زمانی‌که فردی اصلح در آنجا قرار بگیرد، اما این اتفاق نیفتاد.» او در پاسخ به سوال دیگری، کمبود ناجی در استان مازندران را رد می‌کند و دراین‌باره می‌گوید: «ما به تعداد کافی در طول سال در استان مازندران ناجی‌غریق پرورش می‌دهیم و با کمبود نجات‌غریق روبه‌رو نیستیم. ما درباره استخدام ناجی غریق در استخرهای استان با برخی محدودیت‌ها روبه‌رو هستیم. ما در هر شهرستان حداقل یک‌دوره نجات‌غریق برای بین ۱۵ تا ۲۰ نفر برگزار می‌کنیم. به‌این ترتیب همه شهرستان‌ها به تعداد کافی نیروی نجات‌غریق دارند.» ناجی‌های غریق در سواحل، کاری متفاوت، عجیب‌وغریب و بسیار سخت دارند و کسانی که در سواحل کار می‌کنند به‌دلیل فشار کاری چنان اذیت می‌شوند که بعد از چندسال کار کردن، کنار می‌کشند و باید نیروی جدید استخدام شود: «سواحل بیشتر توسط نیروی نجات‌غریق مرد پوشش داده می‌شود و ناجی زن در طرح‌های سالم‌سازی دریا وجود ندارد. اما در حوزه استخرها به‌ویژه در بخش زنان، در زمینه تعداد نیروی نجات‌غریق- مشکلی وجود ندارد.»

باقری با انتقاد از مدیران استخرها به‌دلیل اینکه در حوزه شنا و نجات‌غریق نیستند و به‌عنوان سرمایه‌گذاری به این فعالیت نگاه می‌کنند، می‌گوید: «آنها استخر را اجاره می‌کنند اما اطلاعات کافی از شرایط نگهداری استخر ندارند و نسبت به خطرات آن آگاه نیستند. آنها می‌خواهند با کمترین هزینه، درآمدزایی داشته باشند و به‌همین دلیل این اتفاقات رخ می‌دهد.» او بر این باور است، قانون باید به‌شکلی نظام‌مند شود که هر فردی نتواند مجوز استخر یا مکان آبی را دریافت کند: «افرادی که اطلاعاتی در حوزه شنا و نجات‌غریق ندارند، متوجه نیستند که رعایت‌نکردن موارد ایمنی و نداشتن ناجی مناسب، می‌تواند چه حوادثی را رقم بزند. این حوادث همیشگی نیستند اما جان مردم را به مخاطره می‌اندازند.» مدیران استخرها در برابر تذکراتی بازرسان هیئت‌نجات‌غریق و غواصی استان، مقاومت می‌کنند و آنها را نمی‌پذیرند: «ما از لحاظ قانونی ابزاری نداریم که بتوانیم جلوی فعالیت آنها را بگیریم و تنها می‌توانیم تذکر دهیم. مدیران بسیاری از استخرها به تذکراتی ما گوش می‌دهند و آنها را انجام می‌دهند، اما برخی هم گوش نمی‌دهند که منجر به حوادث ناگوری می‌شود.»

▼امداد جنسیت‌زده

محدودیت‌ها در امدادرسانی به زنان مصدوم، محدود به خفگی در آب استخرها نیست و به زنان دچار ایست قلبی و دیگر مشکلات سلامتی هم می‌رسد. در ایران تابه‌حال مطالعاتی درباره تأثیر جنسیت افرادی که دچار ایست قلبی می‌شوند بر احیای آنها انجام و منتشر نشده است اما بررسی‌های «هم‌میهن» نشان می‌دهد، مردان ساکن ایران، کمتر از زنان به بیماران با جنس متفاوت با خودشان کمک و آنها را احیا می‌کنند؛ این موضوع بیشتر آمده از مسائل عرفی و مذهبی به‌ویژه موضوع «محرمیت» است. با وجود شکاف جنسیتی عمیق در ایران، این موضوع چندان دور از ذهن نیست که زنان بیشتری به‌دلیل آناتومی بدن‌شان، در مواقع بحرانی و حساس دچار مرگ می‌شوند؛ چون هم بعضی تکنسین‌های مرد در این موارد، دچار پیش‌فرض‌های جنسیت‌زده و ذهنیت‌زبیش‌تعیین‌شده درباره بدن زنانند، هم بعضی خانواده‌ها و نزدیکان مرد زنان نیازمند کمک اورژانسی، گاهی با مردان تکنسین اورژانس همکاری نمی‌کنند. ازطرف دیگر، مردانی هم هستند که تکنسین اورژانس نیستند اما با اصول احیا آشنایی دارند که در مواقع اورژانسی و در خیابان‌ها، به زنان نیازمند احیا، کمک نمی‌کنند.

مینا، یکی از تکنسین‌های اورژانس ۱۱۵ به «هم‌میهن» می‌گوید که زنان معمولاً زمانی‌که در موقعیت احیای قلبی، روی قرار می‌گیرند، خیلی سریع به مصدوم کمک می‌کنند اما این موضوع برای مردان همیشه اتفاق نمی‌افتد: «معمولاً وقتی ایست قلبی اتفاق می‌افتد و افراد با اورژانس تماس

می‌گیرند، تکنسین‌ها از پشت تلفن برای انجام احیای قلبی، ریوی راهنمایی می‌دهند. وقتی مصدوم نیازمند این احیا، زن باشد، مردان ویژه اگر هم کمی میانسال باشند، معمولاً تمایلی به این کار ندارند و اعلام می‌کنند که این زن نامحرم است. در حالی‌که آن دقایق بسیار طلایی است.» او می‌گوید، در آموزش‌هایی که به آنها داده شده، هیچ‌وقت به جنسیت مصدوم اشاره نشده است. به گفته او، احیای قلبی، ریوی معمولاً ۴۵دقیقه به‌طور مستمر باید انجام شود. یعنی حتی تا زمانی که مصدوم با اورژانس در حال انتقال است، باز هم این روند ادامه دارد. بنابراین این یک اقدام مهم برای نجات مصدومان است. این کارشناس اورژانس می‌گوید، آنها معمولاً پشت تلفن و تا رسیدن کارشناسان اورژانس، مجبور و مشغول به چانه‌زنی با مردانی می‌شوند که برای مشکل بکزن با اورژانس تماس گرفته‌اند: «ما مدام به آنها اصرار می‌کنیم که در قسمت سینه زن بیمار، باید چه کاری انجام دهند، اما آنها می‌گویند به او دست نمی‌زنیم، چون نامحرم است و وقتی به آنها اصرار می‌کنیم، کلافه می‌شوند و حتی تماس را قطع می‌کنند. البته در سال‌های اخیر، کمی این موضوع بهتر شده و در نسل جوان به‌ویژه دهه هشتادی‌ها، ۳۰درصد این مشکل را داریم.»

مینا می‌گوید، مقاومت زنان برای احیای قلبی مردان بیمار، خیلی کمتر است: «زنان رهگذار همکاری بیشتر و کنترل بیشتری بر هیجان‌شان دارند. معمولاً تصور این است که زنان نمی‌توانند هیجان‌شان را کنترل کنند اما جالب است که خیلی بهتر همکاری می‌کنند درحالی‌که مردان بیشتر دچار هیجان و ترس می‌شوند و مدام اصرار می‌کنند زودتر کارشناس بفرستیم؛ چون نمی‌خواهند به زن بیمار دست بزنند.»

براساس اطلاعات اورژانس تهران، از هر ۱۰ ایست قلبی، دو مورد آن احیای موفق می‌شود که بستگی به سن فرد بیمار و زمان طلایی احیا دارد: «در ثانیه‌های اول که ایست قلبی تنفسی اتفاق افتاده، هر چقدر ثانیه‌های اول، احیا انجام شود، شانس زنده‌ماندن بیشتر است. وقتی مردان برای احیای یک‌زن با ما چانه می‌زنند، این موضوع مرگ زنان را بیشتر می‌کند. گرفتن آدرس از افراد، ۴۰ثانیه طول می‌کشد و دادن آموزش با تماس گیرنده، ۳۰ثانیه، بنابراین این لحظات مهم است.»

پیش‌ازاین یحیی صالح‌طبری، رئیس وقت مرکز اورژانس تهران هم در گفت‌وگو با «هم‌میهن»، کموبیش این موضوع را تایید کرده بود. به گفته او، هرچند در اورژانس تهران، آماری درباره تأثیر این موضوع بر مرگ‌میر زنان وجود ندارد اما احیای قلبی، ریوی یا همان CPR، زمان طلایی دارد و اگر نتوانند در آن زمان طلایی، عملیات را انجام دهید، فرد دچار مرگ می‌شود یا ممکن است مغز آسیب ببیند و قلب کار کند، حتی اگر بعداً احیا کنید: «ما در پزشکی در اینطور موارد، جنسیت را در نظر نمی‌گیریم اما به‌هر حال مردم عادی نسبت به این مسئله حساسیت به‌خرج می‌دهند. تعدادی از مردان با خود فکر می‌کنند که بیمار یک زن است و اگر تنفس مصنوعی به او بدهند، چون دیگران دارند می‌بینند، درست نیست. این موضوعی است که صداوسیما و اصحاب‌ رسانه باید به آن توجه و دراین‌باره فرهنگسازی کنند چون باتوجه به اینکه جمعیت ایران به سمت پیری می‌رود، به این آموزش‌ها نیاز خواهیم داشت.» طبری می‌گوید، وقتی بحث حیات انسان و زنده کردن آدم‌ها پیش می‌آید، دیگر نباید این مطرح باشد که بیمار، زن است یا مرد: «اینکه مردی بگوید در این حالت نمی‌خواهد به قسمت سینه خا نمی‌دست بزند، معنا پیدا نمی‌کند؛ چون شک دارد که کار زنده کردن افراد را انجام می‌دهد. این نگاه، منطقی نیست. گاهی هم این مسئله وجود دارد که فرد با خودش می‌گوید، اگر احیا جواب ندهد، باید به خانواده بیمار پاسخ بدهد. شعار ما در اورژانس این است که همه مردم، خواهر، برادر، پدر، مادر و فرزندان هستند. کسی که فردی را احیا می‌کند، برایش فرقی ندارد بیمار کیست. مردم هم باید همین نگاه را داشته باشند؛ اگر فردی دارد از خیابان رد می‌شود و می‌بیند خا نمی‌ایست قلبی کرده و افتاده، مردم نباید به این نگاه کنند که جنسیت او چیست. قرآن هم می‌گوید، اگر یکنفر را زنده کنی، همه را زنده کرده‌ای؛ نمی‌گوید باید طرف زن باشد یا مرد. ما باید این فرهنگ را در جامعه بیاوریم که هنگام کمک به همدیگر، به‌ویژه وقتی جان یکنفر در خطر است، نباید به این فکر کرد که طرف، زن است یا مرد، محرم است یا نامحرم؛ به این شرط که این کار را بلد باشد.» طبری می‌گوید: «ما تلاش می‌کنیم پشت‌تلفن باتوجه‌به اطلاعاتی که فرد می‌دهد، راهنمایی‌های لازم را بدهیم. اطلاعات و جواب آن فرد، خیلی مهم است. همه ما باید دست‌به‌دست هم دهیم، مردم را نسبت به وضعیت اولیه تماس و اطلاعات اولیه آگاه کنیم که به چه نکاتی دقت کنند و همه تمرکزشان بر این باشد که از آنها چه می‌خواهیم. مردم وقتی می‌بینند کسی روی زمین افتاده و حالش بد است، باید فکر کنند که خواهر یا برادرشان روی زمین افتاده است. برای پزشکان، این قانون است و اگر کمک نکنند، می‌توانند محاکمه شوند.» او معتقد است که برای نجات جان افراد، اصلاً جنسیت مهم نیست: «مهم این است که یک آدم را زنده کنیم؛ آنچه قرآن می‌گوید، اگر فرستار زنی بالای سر زنی باشد که باید قفسه سینه‌اش را فشر بدهد، خوب بهتر است؛ اما اگر نبود، باید بگذاریم بمیرد، چون زن است؟ خوب جواب خون‌اش را چه کسی می‌دهد؟ این نکات از آگاهی‌نداشتن می‌آید و ما این بخش را باید تقویت کنیم.»

خبرسازان



قول وزیر کار درباره تاکسی‌های اینترنتی

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به نگرانی پلتفرم‌های تاکسی‌های اینترنتی درباره مسئولیت کارفرمایی در بیمه رانندگان این تاکسی‌ها پاسخ داد و درعین‌حال به آنها تضمین داد که قوانین مربوط به کارفرما، شامل آنها نخواهد شد. به گزارش ایسنا، احمد میدری جزئیاتی از طرح بیمه رانندگان تاکسی‌های اینترنتی اعلام کرد و گفت: «طرخ پیشنهادی ما با بحث بیمه اجتماعی کامیون‌داران و به‌طورکلی رانندگان بارو مسافر ترکیب و تبدیل به طرح فعلی شدو اکنون در مجلس در حال بررسی است. ما خواهان اجرای این طرح هستیم؛ زیرا بیمه اجتماعی حقی برای رانندگان و ابزار ضد فقر است. شیوه پیشنهادی ما این است که براساس هزینه‌های حمل‌ونقل، درصدی از بارنامه یا صورت‌وضعیت مسافر کسر و به بیمه اختصاص پیدا کند.» میدری اضافه کرد: «برخی از پلتفرم‌هانگران‌اند که قوانین مربوط به کارفرمایی به آنها تحمیل شود، ما به این پلتفرم‌ها تضمین داده‌ایم که قوانین مربوط به کارفرما شامل آنها نخواهد شد و امیدواریم اقدامات قانونی هرچه سریع‌تر انجام شود.»



انتقاد از برخورد قضایی با خبرنگاران لرستان

نماینده مردم خرم‌آباد از برخورد قضایی با خبرنگاران در استان لرستان انتقاد کرد. به گزارش خانه ملت، رضا سپهوند در نشست علنی روز گذشته در تذکر شفاهی خود خطاب به رئیس‌جمهور گفت: «رسانه‌ها رکن توسعه، عامل شفافیت و کاهش فساد در حاکمیت‌اند و باید اجازه داد رسانه‌ها بی‌پروا و رشید عمل کنند. برخلاف اعلام موضع دولت مبنی بر عدم‌برخورد و شکایت‌از خبرنگاران، در استان لرستان وضعیت دیگری حاکم است و ازسوی استاندار، از دو خبرنگار جوان شکایت شده است.» به گفته او، برای هر یک از این خبرنگاران حکم یک‌سال حبس و یک‌سال تبعید صادر و به دورترین نقطه، یعنی استان یزد، تبعید شده‌اند. سپهوند اضافه کرد: «آقای پزشکیان، شما استاندار به لرستان فرستاده‌اید ادیکتاتور؟ هرکسی که این استاندارد را نقد می‌کند، با شکایت مواجه می‌شود و تاکنون بیش از ۱۰ نفر از خبرنگاران و اهالی رسانه، با چنین برخوردهایی روبه‌رو شده‌اند.»



علت تأخیر صدور کارت‌های ملی هوشمند

معاون نوآوری و هوشمندسازی سازمان ثبت‌احوال، دلیل تأخیر در صدور کارت‌های ملی هوشمند را تأمین بدنه و تراشه اعلام کرد. به گزارش ایسنا، حامد معیر تأکید کرد که سازمان ثبت‌احوال در زمینه درج اطلاعات هویتی و صدور کارت، هیچ مشکلی ندارد و آمادگی صدور ماهانه حدود دو میلیون تا دو میلیون و ۲۰۰ هزار کارت را دارد: «مشکل اصلی، در تأمین بدنه و تراشه کارت‌هاست که متولی آن دستگاه‌های دیگری هستند.» او ابراز امیدواری کرد که از اواخر امسال، مشکل تأمین بدنه و تراشه برطرف شود: «اگر این اتفاق بیفتد، پیش‌بینی می‌کنیم طی سه تا چهارماه، تمام عقب‌ماندگی‌ها جبران شود. در حال حاضر حدود پنج میلیون کارت باقی مانده و صدور متوقف نشده، اما با سرعت کمتری در جریان است.»